

ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در استان‌های کشور

مهنوش عبدالله میلانی*، سهیلا پروین** و کوثر سیدی***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳

چکیده

یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران، کاهش نابرابری درآمد در جامعه است. مالیات‌ها به عنوان یک منبع درآمدی پایدار برای دولت، مهم‌ترین ابزار تعدیل نابرابری درآمد هستند. یک نظام مالیاتی کارآمد در قالب مالیات تصاعدی می‌تواند به بهبود توزیع درآمد منجر شود. در این مقاله به ارزیابی تاثیر ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد بر نابرابری درآمد در ۳۰ استان کشور طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴ پرداخته شده است. برای این منظور، نرخ متوسط مالیات بر درآمد هر یک از دهک‌های درآمدی محاسبه شده و اثر آن بر ضریب جینی به همراه سهم ارزش افزوده بخش‌های صنعت و خدمات از تولید ناخالص داخلی و رشد درآمد سرانه، مورد آزمون قرار گرفته است. روش تجربی این پژوهش مبتنی بر داده‌های تابلویی بوده که با استفاده از تخمین پانل پویا از طریق روش گشتاورهای تعمیم یافته صورت گرفته است. نتایج برآوردها نشان می‌دهد که ساختار مالیات بر درآمد در ایران تصاعدی است، اما توانسته موجب کاهش نابرابری درآمد شود.

طبقه‌بندی JEL: H21, H24, O15

کلیدواژه‌ها: مالیات بر درآمد، نابرابری درآمد، ساختار تصاعدی مالیات.

milani@aut.ac.ir

* دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی:

sparvin2020@hotmail.com

** استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی:

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، پست

kosar_seydi@yahoo.com

الکترونیکی:

۱- مقدمه

یکی از اهداف سیاست‌گذاران کاهش نابرابری درآمد در جامعه است. مساله توزیع درآمد حداقل به دو دلیل برای دولت‌ها حائز اهمیت است؛ نخست اینکه توزیع درآمد بعد مهمی از عدالت را تشکیل می‌دهد. دوم اینکه بر رشد و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی تاثیرگذار است. از نقطه نظر درآمدی، مهم‌ترین ابزار توزیع، درآمدهای مالیاتی است. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، درآمدهای مالیاتی سهم مهمی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهند، اما در اغلب کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف سهم درآمدهای مالیاتی ناچیز است.

در ایران درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی در تعیین درآمدهای دولت نقش آفرینی می‌کنند، اما نباید این نکته را فراموش کرد که درآمد حاصل از نفت در عین حالی که ناپایدار است، قابلیت تصحیح‌کنندگی ندارد و تنها یک منبع تامین مالی است. نیاز دولت به درآمدهای دائمی و پایدار موجب شده است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به نقش مهم مالیات در درآمدهای دولت وجود داشته باشد.

از میان انواع مالیات‌ها، مالیات بر درآمد، نه تنها نقش مهمی در درآمدهای مالیاتی دولت دارد، بلکه از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای بازتوزیع درآمد است. ساختار مالیات بر درآمد در ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر تصاعدی است. در این ساختار، مالیات بر اساس قانون و مبتنی بر سیاست‌های مالی هر کشور به گونه‌ای عام از طبقات فرادست بیشتر اخذ شده و در جهت بهبود ارائه کالاهای عمومی - توزیع درآمد - در میان اقشار جامعه توزیع می‌شود.^۱ بنابراین، انتظار می‌رود با وجود ساختار تصاعدی مالیات، نابرابری درآمد در جامعه کاهش یابد.

برخی از مطالعات تجربی انجام گرفته در کشورها نشان داده‌اند که اعمال نرخ‌های تصاعدی مالیات بر درآمد تاثیر چندانی بر نابرابری درآمد نداشته است. پیترو و همکارانش^۲ در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۲ انجام داده‌اند، بیان می‌کنند که امروزه ساختار مالیات بر درآمد در بسیاری از کشورهای جهان دارای براکت‌های مالیاتی کمتر، نرخ‌های مالیاتی کمتر و پیچیدگی کمتری نسبت به سه دهه گذشته است. همچنین در این پژوهش بیان شده

۱- شکوری و ثاقب‌فرد (۱۳۸۷)

2- Sabirianova Peter, Buttrick and Duncan (2012)

۳ ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در...

است که تا سال ۲۰۱۲ حداقل ۳۸ کشور ساختار مالیات بر درآمد خود را از ساختار تصاعدی به ساختار تناسبی^۱ تغییر داده‌اند و پیش‌بینی می‌کنند که تعداد این کشورها رو به افزایش باشد. بنابراین، هدف این مقاله بررسی اثر ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد بر نابرابری درآمد در ایران است.

مطالعات انجام شده در این زمینه به لحاظ روش تجربی به چند دسته تقسیم می‌شود؛ دسته‌ای از مطالعات به محاسبه ضریب جینی قبل و بعد از دریافت مالیات پرداخته‌اند (برخی از پژوهشگران با استفاده از سهم مالیات بر درآمد از تولید ناخالص داخلی به ارزیابی این اثر پرداخته‌اند). دسته دیگر مطالعات به محاسبه نرخ اصابت مالیات بر دهک‌های درآمدی متمرکز شده‌اند.

از آنجا که اطلاعات مربوط به دهک‌ها که هر ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، محدود به ۱۰ دهک در سطح کشور است، غالب پژوهشگران برای برآورد اثرات به اطلاعات کشوری بسنده می‌کنند. در این پژوهش برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر به تشکیل دهک‌ها برای ۳۰ استان کشور در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۴ پرداخته‌ایم. در ادامه، در بخش دوم، مبانی نظری و برخی مطالعات در این زمینه مورد بحث قرار گرفته است. بخش سوم به مرور ادبیات تجربی اختصاص یافته است. در بخش چهارم روش‌شناسی برآورد به تفصیل تشریح می‌شود و در نهایت در بخش پنجم خلاصه نتایج ارائه خواهد شد.

۲- ادبیات موضوع و برخی مطالعات در این زمینه

سیاست‌گذاران در همه جای جهان با توسل به سیاست‌های جدید در راستای کاهش نابرابری درآمد در جامعه تلاش می‌کنند. از میان ابزارهای موجود، کارآمدترین و مهم‌ترین ابزار توزیع درآمد در جامعه، مالیات‌ها هستند. تمامی مالیات‌ها دارای اثر درآمدی هستند و بر توزیع درآمد تاثیرگذارند، اما مالیات‌های غیرمستقیم معمولاً نقش نابرابرکننده دارند؛ زیرا طراحی یک سیستم تصاعدی در مالیات‌های غیرمستقیم غیرعملی است و این نوع مالیات‌ها دارای ساختار تنازلی هستند^۲. در حقیقت نسبت مالیات غیرمستقیم به درآمد در

1- Proportional Structure

2- Musgrave and Thin(1948)

دهک‌های پایین، بیشتر از نسبت مالیات غیرمستقیم به درآمد در دهک‌های بالاست به همین دلیل مالیات‌های غیرمستقیم، اثر ضد توزیعی دارد.

برخلاف مالیات‌های غیرمستقیم، مالیات‌های مستقیمی که دارای ساختار تصاعدی هستند، می‌توانند نقش موثری در کاهش نابرابری درآمد داشته باشند. از میان انواع مالیات‌های مستقیم، مالیات بر درآمد نه تنها نقش مهمی در درآمدهای مالیاتی دولت دارد، بلکه از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای اصلاح بازتوزیع درآمد است و برای اینکه اثر مورد نظر را از نظر درآمدی و توزیعی داشته باشد باید به نحو مناسبی طراحی شده باشد.^۱

در ادبیات مالیه عمومی، آنچه در طراحی نرخ‌های مالیات بر درآمد اهمیت دارد، بدهستان میان برابری و کارایی است؛^۲ برابری، مفهومی است که به سختی قابل ارزیابی است و دارای ابعاد و تعاریف مختلفی است. برابری در مالیات شامل دو جز عمودی و افقی است. برابری افقی^۳ به این معناست که افراد با توانایی پرداخت یکسان، مالیات یکسانی نیز پرداخت کنند و برابری عمودی^۴ به این مفهوم است که با افزایش توانایی پرداخت، مالیات پرداختی افراد نیز افزایش می‌یابد.^۵

معیار کارایی را چنین می‌توان تفسیر کرد که مالیات‌های مختلف در جابه‌جایی و انتقال منابع از بخش خصوصی به بخش عمومی، اخلاص‌های متفاوتی در بازار ایجاد می‌کنند. این اخلاص‌ها از طریق دور شدن از بهینه پارتو باعث کاهش رفاه از دست رفته در اقتصاد می‌شوند. مالیات‌هایی که رفاه از دست رفته کمتری به اقتصاد تحمیل می‌کنند، کارایی بیشتری دارند. بنابراین در رابطه با مالیات‌ها، هدف کارایی و برابری در تضاد با یکدیگر قرار دارند. مالیات‌هایی که برابری اقتصادی را حفظ می‌کنند، کارا نیستند و برعکس.

نرخ‌های تصاعدی مالیات کارا نیستند، اما در بردارنده مفهوم برابری عمودی هستند و از نظر بسیاری از سیاست‌گذاران و مردم تامین هدف برابری اقتصادی مهم‌تر از کارایی اقتصادی است، از این رو ساختار مالیات بر درآمد بسیاری از کشورها تصاعدی است.

۱- نصیری اقدم، رزمی (۱۳۹۴)

2- Ramesy and Mirrlees (1971)

3- Horizontal Equity

4- Vertical Equity

5- Gravelle (1986)

ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۵

ساختار تصاعدی مالیات به معنای وجود بار مالیاتی متفاوت در طبقات مختلف درآمدی است به این ترتیب که افراد با درآمد بیشتر، مالیات بیشتری پرداخت کنند. ساختار تصاعدی را می‌توان دو گونه در نظر گرفت؛ ساختار تصاعدی که در آن نرخ‌های متوسط مالیات افزایشی هستند و ساختار تصاعدی که در آن نرخ‌های نهایی افزایشی هستند.

اگر با افزایش سطح درآمد افراد، میزان مالیات پرداختی افراد نسبت به درآمد افراد یا همان نرخ متوسط مالیات افزایش یابد، ساختار مالیات تصاعدی است. در ساختار تصاعدی، نرخ نهایی مالیات بیشتر از نرخ متوسط مالیات است که در نتیجه آن کشش مالیاتی بزرگ‌تر از یک وجود خواهد داشت.

نرخ تصاعدی مالیات زمانی به صورت نرخ نهایی تصاعدی تبدیل می‌شود که برای هر افزایش درآمد، نرخ مالیات بیشتری در نظر گرفته شود. از آنجا که اجرای نرخ‌های تصاعدی برای تغییرات جزئی درآمد در عمل ممکن نیست، نرخ‌های تصاعدی برای درآمد تصاعدی با تغییرات غیرجزئی در نظر گرفته می‌شود.^۱

نکته مهم دیگر این است که وقتی معافیت پایه وجود داشته باشد، حتی با نرخ‌های نهایی ثابت، ساختار مالیات تصاعدی می‌شود. بنابراین، لزومی ندارد برای تصاعدی شدن مالیات‌ها، نرخ‌های نهایی مالیات افزایشی باشد؛ یعنی گاهی می‌توان تصاعد مورد نیاز را با افزایش معافیت پایه ایجاد کرد و گاهی می‌توان با افزایش نرخ‌های نهایی به این نتیجه دست یافت.^۲

بنکمن^۳، گریفث^۴ و اوکلی^۵ از طرفداران ایجاد ساختار تصاعدی مالیات با استفاده از معافیت پایه بودند. همچنین حمایت از توزیع مجدد درآمد و مالیات‌ستانی تصاعدی در میان طرفداران نیودیل^۶ بسیار رواج داشت. این گروه معتقدند که مالیات تصاعدی می‌تواند منجر به رسیدن به اهداف زیر شود:

- حفظ ثبات اقتصادی و رونق فعالیت‌های کسب و کار

۱- پژوهان (۱۳۹۴)

۲- نصیری‌اقدم، رزمی (۱۳۹۴)

3-Bankman

4- Griffith

5- O kelley

۶- نیودیل (New Deal) تدابیر متنوعی است که دولت رییس‌جمهور فرانکلین روزولت برای احیای اقتصادی پس

از بحران اقتصادی ۱۹۳۰ سال در آمریکا بکار برد (کتابخانه کنگره آمریکا).

- متناسب بودن مالیات‌ها با مزایای کسب شده

- کاهش نابرابری اقتصادی

- کاهش مطلوبیت پول.

بنابراین، ساختار تصاعدی مالیات بسیار مطلوب است، اما طراحی و اجرای درست آن دشوار است.

گالوین و بیتکر^۱ (۱۹۶۹) در حمایت از ساختار تصاعدی مالیات بیان کرده‌اند:

- مالیات بر ارزش افزوده و سایر اقسام مالیات غیر مستقیم، تنازلی هستند در حالی که مالیات بر درآمد تصاعدی می‌تواند باعث خنثی شدن آثار سوء توزیعی مالیات‌های اشاره شده شود.

- وقتی درآمد شخص افزایش می‌یابد، امنیت اقتصادی او با سرعتی بیش از سرعت افزایش درآمدش زیاد می‌شود.

- نرخ‌های تصاعدی مالیات، ابزاری برای کاهش نابرابری اقتصادی هستند و به خوبی با سرمایه‌داری مردم‌سالارانه سازگاری دارند.

- مزایای مخارج حکومتی به شکل تصاعدی با درآمد و ثروت فرد افزایش می‌یابد.

در کنار مزایایی که در خصوص ساختار تصاعدی مالیات مطرح شده معایبی هم وجود دارد. بنکمن و گریفث^۲ (۱۹۸۷) منتقدانه به بررسی دو جنبه از هزینه‌های مالیات‌ستانی تصاعدی پرداخته‌اند؛ نخست تاثیر سوئی که نرخ‌های تصاعدی مالیات بر کارایی نیروی کار دارد. به این معنا که عامل کار با هر توانایی وقتی به بازار کار مراجعه می‌کند در واقع اوقات فراغت خود را برای کسب درآمد به بازار عرضه می‌کند. از آنجا که این ساعات فراغت برای شخص مطلوبیت دارد، در قبال عرضه فراغت درخواست قیمتی را می‌کند. هر چقدر شخص از اوقات فراغت خود بیشتر گذشت کند، انتظار دریافت قیمت بیشتری دارد. افزایش نرخ مالیات بر درآمد موجب می‌شود که شخص فراغت را بر کار ترجیح دهد و موجب کاهش بهره‌وری و عرضه نیروی کار می‌شود.^۳

دومین مساله بحث‌های متعارفی است که ساختار تصاعدی مالیات را موجب هزینه‌های اجرایی گزاف، تخصیص نامناسب سرمایه و فرار مالیاتی می‌داند. از نظر ایشان مطلوب‌ترین

1- Galvin and Bittker

2- Bankman and Griffith

۲ ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۲

نرخ مالیات، نرخ است که هزینه‌های مالیات تصاعدی را با مزایای بالقوه ناشی از توزیع مجدد درآمد به تعادل می‌رساند.

۳- مروری بر مطالعات انجام شده

۳-۱- مطالعات داخلی

ابونوری و خوشکار (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران» به برآورد الگوی بین‌استانی عوامل موثر بر توزیع درآمد در ایران پرداخته‌اند. برای این منظور سهم بیستک‌های درآمدی (هزینه) و ضریب جینی به تفکیک استان‌ها برای سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ برآورد شده است. براساس نتایج، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی، اثر افزایشی بر نابرابری داشته‌اند. این اثر افزایشی به علت کاهش سهم چهار بیستک اول (۲۰ درصد اول) به نفع افزایش سهم بیستک پنجم (۲۰ درصد آخر) بوده است.

شریعت مصطفوی (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی بار مالیاتی بر خانوار در دهک‌های هزینه‌ای در ایران پرداخته است. در این پژوهش نرخ اصابت انواع مالیات در دهک‌ها محاسبه شده است. نتایج نشان داده که متوسط بار مالیاتی بر خانوارهای شهری و روستایی در حالت خوش‌بینانه به ترتیب $9/3$ و $7/5$ درصد و در حالت بدبینانه (که تمامی بار مالیاتی به مصرف‌کننده انتقال یابد) $14/4$ و $13/2$ درصد است. تفاوت بار مالیاتی دهک کم درآمد و دهک پردرآمد شهری و روستایی در گزینه بدبینانه به ترتیب تنها $1/0$ و $1/6$ درصد و در حالت خوش‌بینانه $17/3$ و $20/3$ درصد است. بنابراین، مالیات‌ها قدرت بازتوزیعی چندانی ندارند.

مهرآرا و اصفهانی (۱۳۹۴) رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی را در کشورهای منتخب مورد بررسی قرار داده‌اند. متغیرهای مورد استفاده شامل ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته، سهم مالیات بر درآمد شخصی، سهم مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر مجموع درآمد و سهم مالیات بر کالاها و خدمات از کل درآمدهای مالیاتی است. در این مقاله از داده‌های پانل ۱۹ کشور طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که با افزایش سهم مالیات بر درآمد شخصی و سهم مالیات بر شرکت‌ها از کل درآمدهای مالیاتی، ضریب جینی کاهش خواهد یافت، اما با افزایش سهم مالیات بر کالاها و خدمات

از کل درآمدهای مالیاتی، توزیع درآمد رو به وخامت خواهد نهاد و ضریب جینی افزایش خواهد یافت.

نصیری اقدم و رزمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به ارزیابی اثر وضع مالیات بر مجموع درآمد پرداخته‌اند. برای این منظور یک جامعه فرضی با ۱۲ پایه درآمدی مختلف با استفاده از نرم‌افزار شبیه‌سازی شده است. در این جامعه فرضی درآمدهای مالیاتی دولت و توزیع درآمد محاسبه و تغییرات آن در چهار سناریوی مختلف وضع مالیات بر درآمد مقایسه شده است. سناریوها به شرح زیر هستند:

۱- اگر فردی از چند واحد شغلی درآمد داشته باشد، یک بار مشمول معافیت می‌شود و مجموع درآمدهایش مشمول مالیات می‌شود.

۲- همه درآمدهای مشمول مالیات تجمیع می‌شود و مجموع آن بر اساس قانون، مشمول مالیات می‌شود.

۳- همه درآمدهای فرد، اعم از معاف و غیرمعاف تجمیع شده و براساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ مشمول مالیات می‌شود.

۴- همه درآمدهای فرد، اعم از معاف و غیرمعاف تجمیع می‌شود و در صورتی که مجموع آن در سال بیش از میزان معافیت سالانه (۱۰۰ میلیون تومان) باشد، براساس نرخ‌های ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مشمول مالیات می‌شود.

نتایج شبیه‌سازی حاکی از آن است که درآمد مالیاتی دولت در سناریوی سه به حداکثر خود می‌رسد و توزیع درآمد نیز بهترین وضعیت را دارا است.

۲-۳- مطالعات خارجی

برد^۱ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به بررسی نقش محدود مالیات بر درآمد در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. او در این مقاله درصدد بررسی این مساله است که آیا می‌توان با استفاده از مالیات بر درآمد؛ به بهبود توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه امید داشت؟ به اعتقاد وی در این کشورها مالیات بر درآمد، ناقص و غیرتصاعدی است و هزینه‌های اجرایی و سیاسی اجرای سیستم مالیات، تصاعدی و بالا است. بنابراین، نمی‌توان از این سیستم برای بهبود توزیع درآمد استفاده کرد. وی تقویت مالیات بر مصرف و سیاست‌های

ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۹

هزینه‌ای در جهت تامین منافع فقرا را از روش‌های جایگزین جهت کاهش فقر و نابرابری معرفی می‌کند.

پیتر و دانکن^۱ در یک مطالعه که در سال ۲۰۰۸ انجام شد به بررسی رابطه ساختار تصاعدی مالیات و نابرابری درآمد پرداخته‌اند. آن‌ها برای نشان دادن اثرپذیری نابرابری درآمد از ساختار تصاعدی مالیات از اعمال قوانین مالیات بر ۱۰۰ نقطه فرضی از درآمد سرانه کشورها استفاده کردند. چون نقاط در نظر گرفته شده به صورت تصاعدی و تجمعی هستند، یکصد نرخ متوسط مالیات به صورت تصاعدی تشکیل می‌شود (به طور مثال، نقطه اول چهار درصد از درآمد و نقطه دوم هشت درصد از درآمد) که میانگین این نرخ‌های متوسط مالیاتی، نماینده ساختار تصاعدی مالیات در مدل است. این مطالعه که روی یک پانل بزرگ از ۱۸۹ کشور دنیا در دوره ۲۰۰۵ - ۱۹۸۱ انجام گرفته، نشان داده است که وجود ساختار تصاعدی مالیات موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود و این رابطه منفی در کشورهای توسعه یافته که نظام قانونی قوی‌تری دارند و فرار مالیاتی در آن‌ها کمتر است، تقویت می‌شود.

کروز^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد، رشد، نابرابری درآمد و رفاه به بررسی اثرات وجود ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد بر متغیرهای نام برده پرداخته است. در این پژوهش اثر افزایش نرخ‌های تصاعدی مالیات بر درآمد بر سایر متغیرها مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که افزایش نرخ‌های مالیات بر درآمد، نابرابری درآمد را کاهش داده و موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش عرضه نیروی کار و کاهش پس‌انداز در اقتصاد اسپانیا شده است.

گرین و همکاران^۳ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه ساختار تصاعدی مالیات و نابرابری درآمد برای دوره ۲۰۱۱-۱۹۷۶ در اقتصاد کانادا پرداخته‌اند. در این مطالعه از شاخص کاکوانی برای نشان دادن رابطه ساختار مالیات و توزیع درآمد استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد افزایش درآمدهای مالیاتی دولت موجب کاهش نابرابری درآمد در کانادا شده است.

1- Sabirianova Peter and Duncan

2- Cruz

3- Green, Riddell, France

۴- تصریح، تخمین و تفسیر مدل

در این پژوهش از درآمد دهک‌ها در ۳۰ استان کشور برای محاسبه متغیرها استفاده شده است. با استفاده از این دهک‌ها، دو متغیر اصلی نرخ متوسط مالیات و ضریب جینی محاسبه شده است که به همراه متغیرهای نرخ رشد درآمد سرانه، سهم ارزش افزوده خدمات از GDP و سهم ارزش افزوده صنعت از GDP در مدل اصلی مورد آزمون قرار می‌گیرند. در ادامه به معرفی متغیرها و بررسی کلی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف- نرخ متوسط مالیات بر درآمد (ART)

برای استخراج نرخ‌های تصاعدی مالیات بر درآمد از درآمد ۱۰ دهک درآمدی مناطق شهری در استان‌های ایران استفاده شده است. از آنجا که درآمد دهک‌ها توسط مرکز آمار ایران منتشر نمی‌شود به محاسبه درآمد هر دهک برای هر استان در هر یک از سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ پرداختیم. برای این منظور از پرسشنامه‌های خانوار که از مرکز آمار اخذ شده است، بهره بردیم. این پرسشنامه‌ها شامل اطلاعات درآمد خانوار، استان خانوار، دهک درآمد خانوار و... است. برای تشکیل درآمد دهک‌ها در هر استان، خانوارهایی که در یک دهک و استان قرار گرفته‌اند با استفاده از نرم‌افزار اکسل گروه‌بندی شده‌اند و به این ترتیب درآمد هر دهک محاسبه شده است.

با اعمال ماده ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم^۱ بر درآمد هر یک از این دهک‌ها، میزان مالیات پرداختی هر دهک به تفکیک استان و سال برای مناطق شهری محاسبه می‌شود. در گام بعدی از تقسیم میزان مالیات بالقوه بر درآمد هر دهک، نرخ متوسط مالیات دهک‌ها

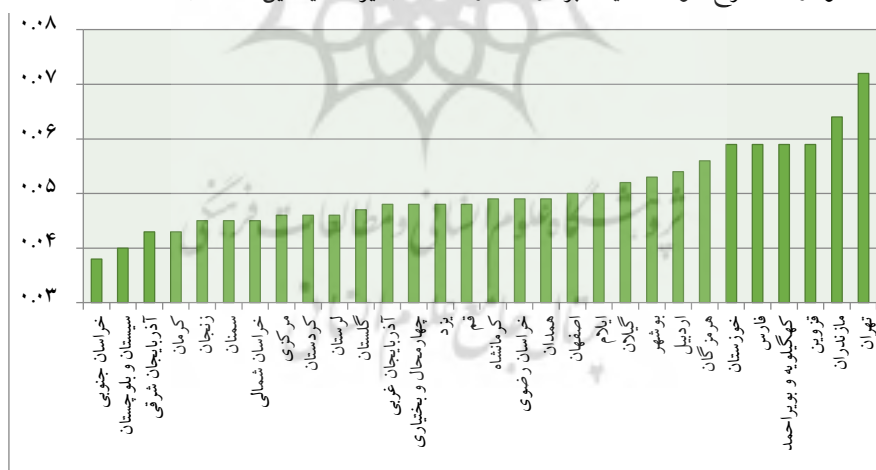
۱- ماده ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم، مربوط به مالیات بر درآمد حقوق بوده که شامل دو بخش است: ۱- مالیات بر درآمد حقوق کارکنان شرکت‌ها و موسسات خصوصی، نهادهای عمومی غیردولتی و مشمولین قانون کار. ۲- مالیات بر درآمد حقوق کارکنان وزارتخانه‌ها و موسسات، شرکت‌ها و سایر دستگاه‌های دولتی. در این پژوهش از قوانین مربوط به بخش غیردولتی با در نظر گرفتن معافیت پایه برای سال‌های مورد بررسی استفاده شده است. ماخذ تمامی قوانین و تبصره‌های مالیاتی سایت سازمان امور مالیاتی کشور است. در این پژوهش با فرض همگنی به دلیل زمان‌بر بودن اعمال قوانین مالیات خاص هر بخش از درآمد دهک‌ها از قوانین مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد بخش خصوصی برای محاسبه نرخ‌های متوسط مالیات استفاده شده است، زیرا در سال‌های مورد بررسی بخش حقوق و دستمزد همواره بیش از ۵۰ درصد درآمد دهک‌ها را تشکیل داده است. همچنین اکثر حقوق‌بگیران در طبقات متوسط و ضعیف درآمدی قرار دارند که نقش مهمی در تعیین میزان نابرابری جامعه دارند.

۱۱ ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۱۱

دهک‌ها در هر استان محاسبه می‌شود.^۱ به دلیل اینکه دهک‌ها به صورت تصاعدی طبقه‌بندی می‌شوند، ۱۰ نرخ متوسط مالیات به صورت تصاعدی برای هر استان در هر سال ساخته می‌شود. در گام بعدی ۱۰ نرخ متوسط مالیات بر درآمد هر یک از این ۱۰ دهک رگرس می‌شود. ضریب شیپی که از رگرس کردن نرخ‌های متوسط مالیات بر درآمد هر دهک به دست می‌آید به عنوان نماینده ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد وارد مدل اصلی می‌شود. نکته قابل توجه این است که اگر ساختار مالیات بر درآمد تصاعدی باشد این ضرایب باید علامت مثبت داشته باشند و بزرگ‌تر شدن ضریب شیب به معنای وجود تصاعد بیشتر در آن استان است.

ایده استفاده از دهک‌ها برای نشان دادن ساختار تصاعدی مالیات از پژوهش پیترو و همکاران^۲ که روی پانل بزرگی از ۱۸۳ کشور دنیا انجام شده، گرفته شده است. ایشان برای تشکیل نرخ‌های تصاعدی مالیات از یکصد نقطه فرضی به صورت تصاعدی در درآمد سرانه کشورها استفاده کردند. با اعمال قوانین مالیات بر درآمد بر این یکصد نقطه، نرخ‌های متوسط مالیاتی که در قالب ساختار تصاعدی هستند تشکیل شده است که در اینجا به منظور به دست آوردن نتایج دقیق‌تر از درآمد دهک‌ها استفاده شده است.

نمودار (۱) - نرخ متوسط مالیات بر درآمد در استان‌های ایران (میانگین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۴)



منبع: محاسبات تحقیق

۱- معافیت پایه سالانه حقوق با توجه به اطلاعات سازمان امور مالیاتی کشور اعمال شده است.

2- Sabirianova Peter, Buttrick and Duncan (2008)

میانگین نرخ متوسط مالیات بالقوه به تفکیک مناطق شهری در استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ در نمودار نشان داده شده است. بنا بر یافته‌های پژوهش، بیشترین نرخ متوسط مالیات به ترتیب مربوط به استان‌های تهران، مازندران، قزوین و کمترین آن مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان است.

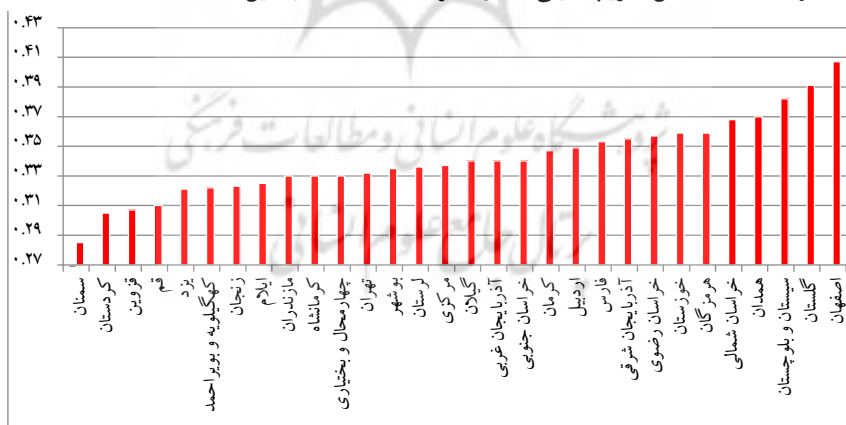
الف- ضریب جینی (GINI)

یکی از شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه، ضریب جینی است. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنی توزیع به طور کامل برابر درآمد و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. در بین محققان، روش‌های مختلفی برای محاسبه

این شاخص وجود دارد، اما در این پژوهش از فرمول $G = 1 - \frac{1}{N} \sum_{i=1}^{k-1} (y_{i+1} + y_i)$ که بر اساس دهک‌ها به دست آمده، برای محاسبه ضریب جینی استان‌ها استفاده شده است که در آن y_i سهم دهک i ام از درآمد کل دهک‌هاست.

نتایج شاخص ضریب جینی استان‌ها در نمودار (۲) ارائه شده است. طبق این شاخص، بیشترین نابرابری درآمد مربوط به استان‌های اصفهان، گلستان و سیستان و بلوچستان و کمترین نابرابری درآمد مربوط به استان‌های سمنان، کردستان، قزوین و قم است.

نمودار (۲)- شاخص ضریب جینی مناطق شهری در استان‌ها (میانگین سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴)



منبع: محاسبات تحقیق

ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۱۳

جدول (۱) نشان‌دهنده روند نابرابری درآمد در کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۴ است. طبق نتایج، ضریب جینی بعد از سال ۱۳۸۹ که سال اجرای هدفمندی یارانه‌هاست کمتر از سال‌های قبل از اجرای هدفمندی یارانه‌هاست که با توجه به تورم و رکود موجود در این سال‌ها، بهبود توزیع درآمد بعید به نظر می‌رسد. دلیل این کاهش آن است که پرداخت یارانه نقدی در سال‌های اولیه اجرای هدفمندی، نقش بیشتری در درآمد خانوارهای فقیر داشته است، اما این نقش با افزایش تورم به تدریج از بین رفته است. علاوه بر این، طی سال‌های رکود، کاهش درآمدهای بالا بیشتر از کاهش میانگین درآمدهاست که می‌تواند موجب بهبود شاخص ضریب جینی شود. همچنین شدت تورم در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ موجب تغییرات ساختاری در دهک‌های درآمدی شده است. شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهند گروه‌های جدا شده از دهک‌های ثروتمند به دهک‌های فقیر انتقال یافته‌اند. بنابراین، بسیار بعید به نظر می‌رسد که تغییرات شاخص ضریب جینی ناشی از بهبود وضعیت گروه‌های فقیر باشد!

جدول (۱) - شاخص ضریب جینی مناطق شهری کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۸۴

شاخص ضریب جینی	سال
۰/۳۶۰	۱۳۸۴
۰/۳۷۱	۱۳۸۵
۰/۳۶۲	۱۳۸۶
۰/۳۶۱	۱۳۸۷
۰/۳۴۶	۱۳۸۸
۰/۳۴۳	۱۳۸۹
۰/۳۱۴	۱۳۹۰
۰/۳۰۸	۱۳۹۱
۰/۳۰۷	۱۳۹۲

منبع: محاسبات تحقیق

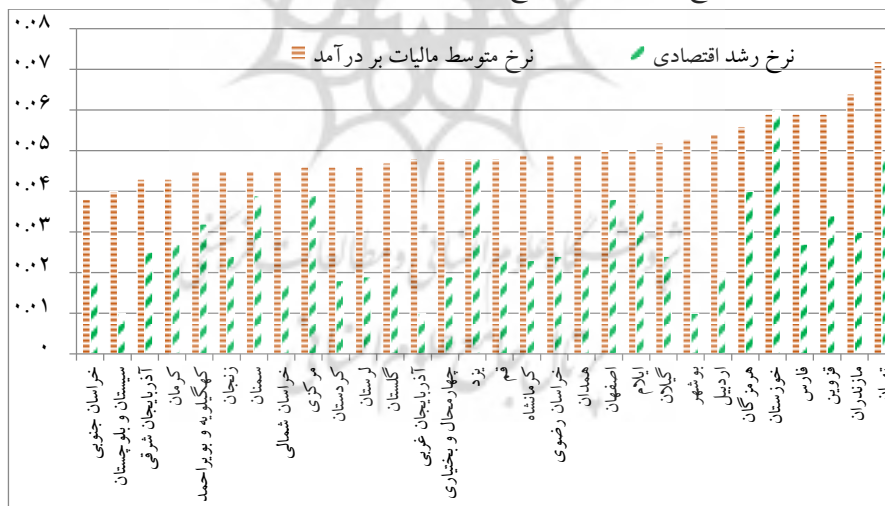
ج - نرخ رشد اقتصادی (GDPP)

یکی از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر ضریب جینی، نرخ رشد اقتصادی یا همان نرخ رشد درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه) است. در این پژوهش، برای محاسبه نرخ

رشد درآمد سرانه هر یک از استان‌ها از داده‌های تولید ناخالص داخلی موجود در جدول‌های حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران بهره بردیم. به دلیل اینکه به لحاظ نظری، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد دارای ارتباط غیرخطی هستند برای نشان دادن این رابطه از متغیر توان دوم نرخ رشد اقتصادی (GDPP²) استفاده شده است.

در نمودار (۳) نرخ رشد اقتصادی استان‌ها و نرخ متوسط مالیات استان‌ها با هم مقایسه شده است. این نمودار نشان می‌دهد که تناسبی بین نرخ رشد درآمد استان‌ها و نرخ متوسط مالیات بالقوه آن‌ها وجود ندارد. هیچ‌یک از استان‌های یزد، بوشهر و اردبیل که به ترتیب بیشترین نرخ رشد درآمد سرانه را دارند در گروه استان‌های با نرخ متوسط مالیات بالا قرار نمی‌گیرند و این خلاف عدالت مالیاتی است. علت این مساله، وجود معافیت‌های گسترده‌ای است که در نظام مالیاتی ما وجود دارد. به طور مثال، در نظام مالیاتی کشور ما، بخش کشاورزی معاف از پرداخت مالیات است، حال اگر در استانی بالاترین سهم از درآمد استان متعلق به کشاورزان بوده و این گروه ثروتمندترین افراد باشند باز هم مالیاتی پرداخت نخواهند کرد.

نمودار (۳) - مقایسه نرخ رشد اقتصادی و نرخ متوسط مالیات در استان‌ها (میانگین سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴)



منبع: محاسبات تحقیق

د- سهم ارزش افزوده خدمات از تولید ناخالص داخلی^۱ (SERV) و سهم ارزش افزوده صنعت از تولید ناخالص داخلی^۲ (IND)

سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی به نوعی نشان‌دهنده ساختار اقتصادی هر منطقه است و تاثیر گذاری مالیات‌ها، بستگی به ساختار اقتصادی منطقه دارد. این مساله از آنجا ناشی می‌شود که سهم معافیت‌های مالیاتی در برخی بخش‌های اقتصادی گسترده است. برای تصریح این نقش از نسبت ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی از کل تولید منطقه استفاده شده است.

۱-۴- روش برآورد

یکی از الگوهای مورد استفاده در اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی (Panel)، الگوهای پویا^۳ هستند. مزیت استفاده از الگوهای پویا این است که به کمک آن‌ها می‌توان ماهیت پویای یک فرآیند را بررسی کرد.

شکل کلی الگوی پژوهش برای بررسی تاثیر ساختار تصاعدی مالیات بر نابرابری درآمد به صورت $Gini_{it} = \alpha Gini_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_{it} + \epsilon_{it}$ است که در آن $Gini_{it}$ ضریب جینی استان‌هاست، X_{it} مجموعه متغیرهای توضیحی است، μ_{it} مربوط به اثرات ثابت استانی است که شامل متغیرهای مشاهده نشده و غیرقابل اندازه‌گیری اثرگذار بر ضریب جینی است که در بین استان‌ها متفاوت هستند. ϵ_{it} عامل خطای تصادفی است. پانویس i مربوط به استان و پانویس t بیان‌کننده سال موردنظر است.

برای آنکه بتوانیم پویایی‌های تغییرات را بررسی کنیم و همچنین برای حذف تورش رگرسیون‌های مقطعی به منظور تخمین‌های کاراتر از روش داده‌های تابلویی پویا استفاده می‌کنیم. به دلیل وجود ساختار پویا و ارتباط وقفه متغیر وابسته در سمت راست با تاثیرات مقطعی هر استان، استفاده از برآوردگرهای OLS، از اعتبار کافی برخوردار نیستند. روش

۱- استخراج شده از جدول حساب‌های منطقه‌ای، مرکز آمار ایران

۲- استخراج شده از جدول حساب‌های منطقه‌ای، مرکز آمار ایران

مناسب‌تر در این شرایط GMM دومرحله‌ای است که توسط آرانو و باند^۱ پیشنهاد شده و عبارت است از:

$$Gini_{it} - Gini_{it-1} = \alpha(Gini_{it-1} - Gini_{it-2}) + \beta(X_{it} - X_{it-1}) + (\epsilon_{it} - \epsilon_{it-1})$$

در این روش ابتدا از معادله اصلی تفاضل‌گیری می‌شود تا بتوان اثرات مقاطع یا μ_i را از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقیمانده در مرحله اول برای متوازن کردن ماتریس واریانس-کواریانس استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، این روش متغیرهایی تحت عنوان متغیر ابزاری ایجاد می‌کند تا برآوردهای سازگار و بدون تورش داشته باشیم.^۲ سازگاری تخمین زنده GMM به معتر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله آزمون سارجنت که توسط آرانو و باند (۱۹۹۱)، آرانو و بوور^۳ (۱۹۹۵) و بلوندل و باند^۴ (۱۹۹۸) تصریح شده، آزمون شود. آزمون سارجنت برای شناسایی قیدهای بیش از حد تعیین شده است و از طریق آن می‌توان معتر بودن ابزارها را آزمون کرد. آماره آزمون سارجنت (J-Statistic) دارای توزیع χ^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد است. عدم رد فرضیه صفر آزمون سارجنت شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتر بودن ابزارها فراهم می‌کند.

۱-۱-۴- آزمون مانایی متغیرها

روش‌های معمول اقتصادسنجی در کارهای تجربی، مبتنی بر فرض مانایی متغیرهای مورد مطالعه است، چراکه امکان ساختگی بودن برآورد با متغیرهای نامانا وجود دارد و استناد به نتایج چنین برآوردهایی به نتایج گمراه‌کننده‌ای منجر خواهد شد. بنابراین، قبل از استفاده از این داده‌ها لازم است نسبت به مانایی و نامانایی آن‌ها اطمینان حاصل کرد.

در این مطالعه به منظور بررسی مانایی متغیرها، از سه روش مهم آزمون‌های ریشه واحد با داده‌های تابلویی استفاده شده است. برای تشریح این آزمون‌ها، الگوی AR(1) بین

1- Arrelano And Bond
2- Baltagi
3- Arrelano and Bover
4- Blundell and Bond

ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۱۷

بخشی $Y_{it} = \rho_i Y_{it-1} + X_{it} \beta_i + \delta_i$ را در نظر می‌گیریم که در آن Y_{it} متغیر مورد بررسی، $i = 1, 2, \dots, N$ معرف استان‌ها، $t = 1, 2, \dots, T$ تعداد مشاهدات سری زمانی در هر استان، X_{it} (متغیرهای کنترل و وابسته) عرض از مبدا و روند، δ_i ضریب خودهمبستگی و ρ_i جمله اخلاص بوده که فرض می‌شود در بین استان‌های مختلف مستقل از یکدیگرند. اگر $|\rho_i| < 1$ باشد، متغیر مورد نظر مانا و چنانچه $|\rho_i| = 1$ باشد، Y_i دارای ریشه واحد و نامانا تلقی می‌شود. در این آزمون، دو پیش فرض برای ρ_i وجود دارد، اول آنکه فرض می‌شود عوامل ρ_i مشترکی میان استانهای مختلف وجود دارد به طوری که ρ_i همه استان‌ها یکسان است (به ازای هر i برای تمام استان‌ها). آزمون LLC، برتونگ و هدری براساس این فرض پایه گذاری شده اند. فرض دوم این است که ρ_i استان‌ها یکسان در نظر گرفته نشود. آزمون IPS و آزمون فیشر نیز بر این فرض استوار هستند. همچنین فرض صفر در آزمون هدری، عدم وجود ریشه واحد است در حالی که در سایر آزمون‌ها فرض صفر عبارت است از وجود یک ریشه واحد.

۲-۱-۴- آزمون هم‌انباشتگی

تخمین مدل در حالت نامانا بودن متغیرها باعث ایجاد رگرسیون کاذب در مدل می‌شود. برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب، روش‌های تفاضل‌گیری و آزمون هم‌انباشتگی وجود دارد، اما چون هنگام استفاده از تفاضل متغیرها در برآورد ضرایب الگو، اطلاعات ارزشمندی در رابطه با سطح متغیرها از دست می‌رود، این روش برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب، مناسب نمی‌باشد. می‌توان برای رفع این مشکل از آزمون هم‌انباشتگی استفاده کرد. مفهوم هم‌انباشتگی تداعی‌کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند. در صورت نامانایی متغیرهای مدل اگر بین آن‌ها هم‌انباشتگی برقرار باشد، نتایج حاصل از تخمین مدل قابل اعتماد خواهد بود. در این مقاله به منظور بررسی آزمون هم‌انباشتگی از روش ارائه شده توسط کائو^۱ استفاده خواهد شد.

۲-۴- تخمین و تحلیل نتایج

نتایج آزمون‌های مانایی و هم‌انباشتگی متغیرها در جداول (۳) و (۲) ارائه شده است. بر این اساس، تمامی متغیرها پس از یک بار تفاضل‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد مانا شده‌اند. طبق نتایج آزمون هم‌انباشتگی یک رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیر ضریب جینی و متغیرهای مستقل وجود دارد. از این رو می‌توان گفت متغیرهای استفاده شده در مدل مناسب هستند و به تحلیل نتایج پرداخت.

نتایج حاصل از برآورد اثر تصاعدی بودن ساختار مالیات بر نابرابری درآمد با استفاده از نرم‌افزار Eviews 9 در جدول (۴) ارائه شده است. آزمون سارجنت نشان می‌دهد که ابزارهای به کار گرفته شده از اعتبار لازم برخوردارند و هیچ‌گونه ارتباطی میان اجزای خطا و ابزارهای به کار گرفته شده وجود ندارد.

جدول (۲)- نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد متغیرها

متغیرها	LLC	IPS	ADF فیشر
ضریب جینی	-۴/۸	-۳/۰۷	۱۰۳/۹۱
نرخ متوسط مالیات	-۲۰/۰۷	-۶/۹۹	۱۷۷/۷۱
نرخ رشد اقتصادی	-۱۳/۳۶	-۳/۷۷	۱۱۶/۱۷
سهم ارزش افزوده خدمات	-۹/۱۷	-۲/۴۹	۹۳/۷۷
سهم ارزش افزوده صنعت	-۱۱/۹۷	-۴/۳۲	۱۲۷/۲۲

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۳)- بررسی وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهای مورد استفاده در برآورد

Cointegration Kao	t-Statistic	P-Value
ADF	-۷/۲۸	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس منابع برآوردی، علامت تمامی ضرایب با تئوری سازگاری دارند. بجز ضریب نرخ متوسط مالیات، همه ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. طبق این نتایج، تصاعدی بودن ساختار مالیات بر درآمد کشور طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ تأثیری بر نابرابری درآمد نداشته است. یکسان نبودن بخش‌های مختلف اقتصاد در

ساختار تصاعدي ماليات بر درآمد و اثر آن بر نابرابري درآمد در... ۱۹

مکانيزم‌های کسب درآمد و نوع فعاليت اقتصادي، موجب می‌شود افراد با درآمدهای مختلف به طور یکسان مشمول ماليات نمی‌شوند و افرادی هم که شناسایی می‌شوند به دليل عدم انطباق درآمد اعلام شده و درآمد واقعي، ماليات متناسب درآمد خود را پرداخت نکنند. در چنین شرايطی قانون ماليات بر درآمد، حتی با وجود نرخ‌های تصاعدي نمی‌تواند به طور موثر عمل کند. یکی از دلایل عمده این است که درآمدهای ناشی از کار در بخش رسمي اقتصاد، بیشتر قابل ماليات‌ستانی است، اما در بسیاری از بخش‌های غيررسمی با وجود جریان‌های درآمدی بالا امکان شناسایی درآمدهای افراد وجود ندارد^۱.

جدول (۴) نتایج برآورد تاثیر ساختار تصاعدي ماليات بر نابرابري درآمد

متغير وابسته ضريب جيني			
متغير مستقل	ضريب متغير	t آماره	سطح احتمال
نرخ متوسط ماليات ART	-۰/۰۹	-۰/۶۳	۰/۵۳
نرخ رشد اقتصادي GDPP	۰/۳۲	۴/۰۹	۰/۰۰۰
توان دوم نرخ رشد اقتصادي GDPP ^۲	-۰/۶۹	-۴/۹۱	۰/۰۰۰
سهم ارزش افزوده خدمات SERV	۰/۲۶	۲/۴۸	۰/۰۱۴
سهم ارزش افزوده صنعت IND	-۰/۳۸	-۲/۳۹	۰/۰۱۸
وقفه متغير وابسته	۰/۳۶	۵/۸۸	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات	۲۱۰	۲۱۰	۲۱۰
آماره آزمون سارجنت	۲۳/۳۶		

منبع: محاسبات تحقيق

همانطور که در نمودار بخش قبل نشان داده شد تناسبی میان درآمد استان‌ها و نرخ ماليات بالقوه استان‌ها نیز وجود ندارد. در برخی از استان‌های کشور فعاليت‌های کشاورزي

زیاد و درآمد حاصل از آن‌ها منبع اصلی درآمد در این استان‌ها از این فعالیت حاصل می‌شود که معاف از مالیات است.

علامت ضرایب دو متغیر سهم ارزش افزوده خدمات و صنعت عکس یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، افزایش در نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به درآمد کل موجب افزایش نابرابری درآمد می‌شود. این نتیجه قابل انتظار به خاطر این است که نابرابری در بخش خدمات گسترده‌تر است. همچنین رشد در این بخش مربوط به رشد خدمات غیرمولد است که نتیجه آن افزایش تورم است. علاوه بر این، بخش بزرگی از گروه‌های فقیر در بخش خدمات قرار دارند و بزرگ شدن این بخش موجب افزایش نابرابری درآمد می‌شود. در مقابل افزایش ارزش افزوده بخش صنعت موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود، زیرا این بخش سهم بسزایی در اشتغال و تولید دارد.

۵- نتیجه‌گیری

ساختار تصاعدی مالیات به منظور جمع‌آوری سهم بیشتر درآمد از طبقات پردرآمد جامعه نسبت به طبقات کم‌درآمد جامعه طراحی می‌شود. میزان اثربخشی ساختار تصاعدی مالیات در کاهش نابرابری درآمدی، بستگی به طراحی مناسب نرخ‌های مالیات، میزان فرار مالیاتی و وجود معافیت‌های گسترده در نظام مالیاتی دارد. در این پژوهش برای ارزیابی اثر ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد در ایران به محاسبه نرخ متوسط مالیات و ضریب جینی با استفاده از دهک‌های درآمدی در استان‌ها پرداخته شده است.

طبق نتایج، بیشترین نرخ بالقوه مالیات بر درآمد مربوط به استان‌های تهران، مازندران، قزوین و خوزستان و کمترین آن مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی است.

به لحاظ وضعیت نابرابری درآمد در خانوارهای شهری، شاخص ضریب جینی نشان می‌دهد بالاترین نابرابری درآمد مربوط به استان‌های اصفهان، گلستان، سیستان و بلوچستان و کمترین آن مربوط به استان‌های سمنان، کردستان، قزوین و قم است.

۲۱ ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در... ۲۱

برآورد مدل تجربی با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM داده‌های تابلویی پویا در ۳۰ استان کشور صورت گرفت که نتایج نشان می‌دهد وجود ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد نتوانسته است موجب کاهش نابرابری درآمد در فاصله سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ شود.

منابع

الف - فارسی

- ابونوری، اسمعیل و محبوبه فراحتی (۱۳۹۴)، «ساختار تولید و توزیع درآمد در ایران»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال نهم، شماره ۴: ۲۴-۱.
- ابونوری، اسمعیل (۱۳۸۵)، «اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷: ۹۵-۶۵.
- ابونوری، عباسعلی و سمیه زیوری (۱۳۹۳)، «تاثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۴: ۸۵-۶۳.
- پروین، سهیلا (۱۳۹۴)، «رشد اقتصادی و طبقه متوسط»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۴۲: ۵۶-۱.
- پروین، سهیلا (۱۳۹۵)، «آثار هدفمندی یارانه‌ها بر سبد مصرفی خانوارها»، مرکز پژوهش‌های مجلس. پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۳۹۴، اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)، تهران: انتشارات جنگل، چاپ یازدهم.
- زاینده‌رودی، محسن (۱۳۸۰)، «بررسی تاثیر مالیات (درآمد^۰ دستمزد) روی عرضه نیروی کار»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۸: ۵۷-۴۳.
- دادگر، ی‌الله (۱۳۹۲)، اقتصاد بخش عمومی، تهران: انتشارات مفید، چاپ سوم.
- شریعت مصطفوی، سید محمود (۱۳۹۴)، «بار مالیاتی بر خانوار در دهک‌های هزینه‌ای در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، دفتر مطالعات و برنامه و بودجه، مالیات ستانی از مجموع درآمد اشخاص.
- نصیری‌اقدم، علی و اشرف رزمی (۱۳۹۴)، «وضع مالیات بر مجموع درآمد اشخاص و شبیه‌سازی آثار آن بر درآمدهای مالیاتی و توزیع درآمد»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۶۱-۸۲: ۵۸.
- مهرآرا، محسن و پوریا اصفهانی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۸: ۲۲۸-۲۰۹.
- مرکز آمار ایران، درگاه آمارهای ملی، جدول حساب‌های منطقه‌ای.

ب- انگلیسی

- Arrelano, M. and S. Bond (1991), Some Tests Of Specification In Panel Data: Monte Carlo Evidence And An Application To Employment Equations , *Review Of Economics And Statistics*, 58: 277-297.
- Baltagi, B. H. (2008), *Econometric Analysis Of Panel Data*, Chichester: John Wiley and Sons Ltd.
- Bankman, Joseph and Thomas Griffith (1987), Social Welfare And The Rate Structure: A New Look At Progressive Taxation , *California Law Review*, 75, PP.
- Bird, M. (2005), Redistribution Via Taxation: The Limited Role Of The Personal Income Tax In Developing Countries , Internet Document.
- Blundell, R. and S. Bond (1998), Initial Conditions And Moment Restrictions In Dynamic Panel Data Models , *Journal Of Econometrics*, 87, PP,11-143.
- Echevarría, C. (2014), Income Tax Progressivity, Growth, Income Inequality And Welfare , *Journal Of Spanish Economic Association*, Series 6:43° 72 .
- Galvin, C. And B. I. Bittker (1969), The Income Tax: How Progressive Should Itbe? , Rational Debate Seminars, Washington, Americanenterprise Institute For Public Policy Research, PP, 1-183.
- Gravelle, J. (1992), Equity Effects Of The Tax Reform Act Of (1986) , *Journal Of Economic Perspectives*, 6(1), PP, 27-44.
- Green, David, Riddell A.Craig And St-Hilaire France (2015), Income Inequality: The Canadian Story , Art Of The State Series.
- Mirrlees, James (1971), An Exploration In The Theory Of Optimum Taxation , *Review Of Economic Studies*, PP, 38(2): 175-208.
- Musgrave Richard And Thin Tun (1948), Income Tax Progression, 1929-48 , *Journal Of Political Economy*, PP, 56(6): 498-514.
- O Kelley, C. R. (1985), Tax Policy For Post-Liberal Society: A Flat-Tax-Inspired Redefinition Of The Purpose And Ideal Structure Of A Progressive Income Tax , 58 Southern California Law Review, PP, 727-776.
- Ramsey, F. (1927), A Contribution To The Theory Of Taxation, *Economic Journal*, 37(145): 47-61.
- Sabirianova, P., S. Buttrick and D. Denvil (2008), Global Reform Of Personal Income Taxation, 1981-2005: Evidence From 189 Countries , Andrew Young School Of Policy Studies Research Paper Series, No. 08-08.